

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ اگست ۲۰۲۲

ملک فروخته شده یا بی صاحب!؟

دوشنبه - ۱۷ اسد ۱۴۰۱ - کابل: از طریق رسانه ها مطلع شدیم که امروز در ولسوالی برمل و لایت پکتیا، ۴ تن از اعضای "تحریک طالبان پاکستان" به شمول یک تن از رهبران نامدار آنها "عمر خالد خراسانی" با نام مستعار "عبدالولی مهمند" به قتل رسیده است. در یادداشت امروز سؤال و تحلیلی داریم در همین زمینه:

۱- از یک هفته بدین سو که امپریالیسم امریکا ادعای کشتن "ایمن الظواهری" را در قلب کابل نمود و از طرف دیگر در ولسوالی اندر و لایت غزنی طیارات بدون سرنشین افراد دیگری را به بهانه عضویت در القاعده، بمباران و به قتل رسانید و جنایتی که امروز در خاک ما به وسیله طیارات بدون سرنشین انجام دادند و طی آن ۴ تن از اعضای "تحریک طالبان پاکستان" را به قتل رسانیدند، در ذهن هرافغان و هر انسان در هرکجای جهان که به کشورش علاقه مند باشد و حدود و ثغور کشورش را به مثابه ناموس خود بدانند، این سؤال به وجود می آید، که چه خیر است؟ آیا طالب و نظام ملا سالار آسمان و زمین کشور را در ازای بقای خودشان پیش فروش نموده اند و یا دشمنان دور و نزدیک افغانستان، این کشور را بی صاحب فکر نموده، هرازگاهی که هوس آدمکشی نمودند، به اینجا آمده چند تن را می کشند و با غرور و افتخار به وطن شان بر می گردند!؟

۲- و اما این که چرا باید از "تحریک طالبان پاکستان" به دفاع برخاست و حفظ جان آنها را بیشتر از حفظ جان خود ارزش قایل شد؟

هموطنان گرامی!

با یک نظر اجمالی به تاریخ افغانستان معاصر به خصوص از نیمه دوم قرن بیستم بدین سو یعنی چیزی بیشتر از ۷۰ سال اخیر، دیده می شود که از همان نخستین روزهای نطفه بندی کشوری ایدئولوژیک به نام پاکستان و سیاست بازی های خاندان غدار طلائی در قبال آن، دولت پاکستان همیشه کوشیده است تا با جذب و سازماندهی تعدادی از ناراضیان در دستگاه خاندان طلائی و آنها را به خیانت علیه منافع ملی کشور سوق دادن، در تمام مدت چماق آماده ای در دست نگه داشته تا هر زمانی که خواسته باشد، با آن چماق بر فرق زمامداران و حاکمان وابسته و خود فروش افغانستان کوبیده آنها را وادار به تمکین در برابر اراده استعماری و زورگویانه خودش بنماید.

در نقطه مقابل این سیاست محیلانه و کارا، دولت های وقت افغانستان نیز شبه تشکلاتی را در افغانستان شکل داده اند که در یک مقایسه می تواند ضرب المثل "او به دل می زد و ما به گل" را تداعی نماید. سازماندهی هائی که بیشتر به نمایشات مسخره شبیه بود تا نهاد های برانداز و حد اقل مزاحم حاکمیت سرمایه و نظامیان پنجابی.

تا جایی که دیده می شود تنها نهادی که بالقوه می تواند، حاکمیت سرمایه و نظامیان پنجاب را در سرزمین پاکستان به نبرد فراخواند، همین "تحریک طالبان پاکستان" می باشد. یعنی برای هر نظامی که در افغانستان به وجود آید و بخواد خود را از شر تروریست پروری پاکستان و مداخلات جنایتکارانه نظامیان آن کشور برهاند، ایجاب می نماید تا زیر عنوان "رویة بالمثل" نهاد هائی مانند "تحریک طالبان پاکستان" را در افغانستان نه تنها جای دهد و حمایت نماید بلکه با حرکت از موضع "جواب بی پیر را بد مذهب" می دهد، همیشه آنها را آماده داشته باشد تا مقابل هر جنایت نظامیان پاکستان پاسخی از سنخ عمل خودشان دریافت بدارند.

بناءً صرف نظر از این که "تحریک طالبان پاکستان" چه ایدئولوژی دارند و می خواهند چه آشی برای نظامیان پاکستان بپزند، برای حاکمیت ها در افغانستان الزام آور می گردد تا آنها را به مثابه ابزار مهار نظامیان پاکستان و تجاوز گری های آنها در اختیار داشته باشند.

۳- این که شنیده می شود که طیارات بی سرنشین پاکستانی آزادانه و بیهراس و به مانند پرواز بالای خانه و سرزمین خودش داخل کشور ما می شوند و هرکسی را که خواسته باشند می کشند و صدائی هم بلند نمی شود، نشانگر آن است که در چنین سکوتی، تنها عقب ماندگی های تخنیکی و الکترونیکی نقش ندارد بلکه نقش اساسی را در عدم موجودیت روحیه و تصمیم مبارزه علیه پاکستان و تجاوزگری هایش دارا می باشد.

هموطنان گرامی!

طالب تا بدین جا رسیده و بر افغانستان حاکم گردانیده شده است به ده ها و صد ها جنایت در حق مردم و خیانت در حق کشور را مرتکب شده است، این را باید به صراحت بگوئیم که فروختن ابزار و نهاد هائی که می توان به وسیله آنها نظامیان تجاوز گر و ساسیمداران آزمند پاکستان را وادار به تمکین نمود، یکی از بزرگترین خیانت هائیت که تاریخ کشور ما هیچ زمانی آن را فراموش نخواهد کرد.

طالب و نظام ملاسالار این را باید بدانند که حراج و به فروش رسانیدن ابزاری چون "تحریک طالبان پاکستان" نه تنها باعث تقویت نظام شان نخواهد شد، بلکه یگانه ابزار ایستادگی علیه زیاده خواهی ها و تجاوزات روز افزون دولت پاکستان را نیز از دست خواهند داد. مسلم است که با از دست دادن چنین ابزاری، چیزی بهتر از سرنوشت جهادی در انتظار شان نخواهد بود.

ارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!